

## تنها کنار ایستگاه قطار



فیلم «نامه‌های خیس» ساخته مرجان اشرفی‌زاده دیشب از شبکه چهار سیما بازپخش شد؛ فیلمی که می‌توان آن را چند بار به تماشا نشست و در هر بار دیدن به بخشی از فیلم توجه کرد و لذت برد.

جام جم آنلاین: فیلم «نامه‌های خیس» ساخته مرجان اشرفی‌زاده دیشب از شبکه چهار سیما بازپخش شد؛ فیلمی که می‌توان آن را چند بار به تماشا نشست و در هر بار دیدن به بخشی از فیلم توجه کرد و لذت برد. نامه‌های خیس هرچند یک فیلم ویدئویی است که برای پخش از تلویزیون ساخته شده، اما آنقدر ظرفیت‌های خوبی برای غافلگیری مخاطب دارد که او را وامی‌دارد این فیلم را برای دیدن انتخاب کند و حدود 90 دقیقه شش‌دنگ حواس خود را به نامه‌های خیس بدهد تا هم از داستان آن لذت ببرد و هم ساختارش، او را به دنیایی ببرد که به اصطلاح به آن دنیای سینما می‌گویند و مخاطب دوست دارد این دنیا را در سالن تارک سینما تجربه کند.

مرجان اشرفی‌زاده با نامه‌های خیس نشان داده که می‌توان با دقت در ظرایف، مخاطب تلویزیون را از فضای خانه دور کرد.

او را چنان درگیر داستان کرد که فراموش کند نامه‌های خیس یک فیلم است و می‌تواند واقعیت نداشته باشد. برگ برنده اشرفی‌زاده در این است که مرز واقعیت و درام را به هم نزدیک و داستانی باورپذیر از زندگی را روایت کرده است؛ داستانی که زندگی دو زن را به نمایش می‌گذارد، زندگی یک مادر و یک دختر؛ مادری که در جوانی به دلیل خیانت شوهرش دچار بحران روحی شده است.

طلعت سال‌هاست که از رفتن همسرش عذاب می‌کشد. او همیشه منتظر است تا مردش بار دیگر برگردد و پناهی شود برای او و دخترش، اما دختر از جنس پدر نیست که مادر را با درد و تنهایی‌هایش رها کند و به دنیای خودش برسد. او می‌داند که باید در کنار مادر بماند تا شاید زخم روحی‌اش التیام یابد.

خانه این مادر و دختر در کنار ایستگاه قطار زرین‌شهر است؛ شهرکی در نزدیکی تهران؛ ایستگاهی که هرروز بارها و بارها پر و خالی از مسافر می‌شود.

ایستگاهی که نشان می‌دهد هیچ چیز در زندگی ثابت نیست و همه چیز در حال تغییر است. روحیات این مادر و دختر را هوای همیشه ابری و پرباران به نمایش می‌گذارد. دختر جوان همیشه در حال ذکر گفتن است.

وقتی سنگ‌های تزئینی و مرواریدها را بر لباس‌ها می‌دوزد، ذکر می‌گوید. او می‌داند فقط یک نفر می‌تواند او را به آرزوهایش برساند. ذکر دختر جوان تنها کاری است که از دست زنی تنها برمی‌آید که همه تلاشش را می‌کند تا روی پای خود بایستد.

زندگی دختر جوان از روزی دگرگون می‌شود که پای عشق به زندگی‌اش باز می‌شود؛ عشقی که روزنه‌ای به او نشان می‌دهد. آیا روزهای بد تنهایی به پایان رسیده است؟ از روزی که مرد جوان دیگر به دیدن دختر نمی‌آید، بیننده هم مانند دختر بغض می‌کند.

آیا سرنوشت دختر امتداد سرنوشت مادر است؟ چقدر تلخ است صحنه‌ای که دختر در آغوش مادر گریه و برای اولین بار از سرنوشت خود گلایه می‌کند، اما نامه‌های خیس آنقدر روایت انسانی دارد که ثابت می‌کند، توکل می‌تواند سرنوشت‌های شبیه به هم را تغییر دهد.

نامه‌های خیس هنرمندانه داستانی باورپذیر از شرایط انسان‌های تنها را به نمایش می‌گذارد تا ثابت کند که اگر فیلمساز کارش را بلد باشد، اثر او می‌تواند به فیلمی تاثیرگذار و ماندگار تبدیل شود.

طاهره آشیانی - دبیر گروه رادیو و تلویزیون